خلیج فارس؛ شاهرگ اقتدار و عمق استراتژیک ایران در گذر تاریخ

(به یاد سردار شهید علیرضا تنگسیری)

یادداشت

نورالله مرادی
پژوهشگر ارشد مطالعات فرهنگی

خلیج فارس یا شاخاب پارس که در اسناد کهن و متون تاریخی با نام «دریای پارس» خوانده می‌شود، فراتر از یک گذرگاه آبی، همواره ستون فقرات امنیت، سیاست و اقتصاد فلات ایران بوده است. واکاوی تاریخ کهن نشان می‌دهد سیادت بر این آبراه، کلید اصلی تبدیل شدن ایران به یک ابرقدرت جهانی در ادوار گذشته بوده است. در این یادداشت به بررسی سه مقطع سرنوشت‌ساز می‌پردازم که در آن خلیج فارس به ابزار قدرت ایرانیان در آن اعصار تبدیل شد.

عصر ایلامیان و الیمائیان؛ تقابل با امپراطوری‌های بین‌النهرینی

اولین نطفه‌های قدرت دریایی در جنوب فلات ایران و در عصر امپراطوری ایلام/عیلام شکل گرفت. ایلامیان/عیلامیان و اخلاف آنها، «الیمائیان»، به‌خوبی بر اهمیت جغرافیایی دهانه خلیج فارس واقف بودند.

● **استراتژی انسداد:** ایلامیان/عیلامیان با تسلط بر سواحل و کنترل مسیرهای دریایی، توانستند شریان‌های حیاتی و تجاری امپراطوری‌های بزرگ بین‌النهرین همچون اکد، بابل و سومر را تحت نظارت قرار دهند. این اشراف دریایی به ایلامیان اجازه می‌داد با قطع دسترسی رقبای خود به منابع دوردست و مواد اولیه، آنها را از نظر اقتصادی تضعیف کرده و در بسیاری از ادوار تاریخی، حاکمیت خود را بر سراسر منطقه بین‌النهرین گسترش دهند. الیمائیان نیز در دوران‌های بعدی، با تکیه بر همین موقعیت جغرافیایی، همواره سدی مستحکم در برابر نفوذ بیگانگان در جنوب بودند و مدت‌های مدید بر همه شاخاب پارس و دریای اوماناِ (owmana در گویش جنوبی یعنی آب ماندگار و جاویدان، دریای عمان یا دریای مکران) استیلا داشتند.

عصر هخامنشی: پی‌ریزی اولین نیروی دریایی جهانی

دوران سلسله هخامنشی، نقطه عطف تاریخ دریانوردی ایران است. داریوش بزرگ با درکی عمیق از مفهوم «قدرت دریایی»، اولین نیروی دریایی منظم و استراتژیک جهان را بنیان نهاد.

● **فناوری ناوگان:** داریوش با بهره‌گیری از دانش کشتی‌سازان فنیقی، مصری و ایونی، ناوگانی از کشتی‌های جنگی پیشرفته را در خلیج فارس مستقر کرد.

● **اکتشاف و تجارت:** وی به سردار دریانورد خود، «اسکیلاکس کاریاندی»، مأموریت داد مسیر دریایی از دهانه رود سند تا دریای سرخ را بپیماید. این اقدام، خلیج فارس را به قطب اصلی تجارت ادویه و ابریشم تبدیل کرد که امنیت و ثروت بی‌سابقه‌ای را برای امپراطوری هخامنشی به ارمغان آورد.

عصر ساسانی: عملیات استراتژیک در یمن و دیلم

در دوران ساسانی، بویژه در عهد پادشاهی انوشیروان، خلیج فارس به بستری برای دوربردترین عملیات نظامی ایران تبدیل شد. هدف اصلی، کوتاه کردن دست حبشی‌ها از یمن و تنگه باب‌المندب بود.

● **لشکرکشی وهرز:** فرماندهی این عملیات بزرگ برعهده سردار نامی ایران، «وهرز» بود. بخش اصلی سپاه او را دلاوران و سلحشوران دیلمی (مردمان منطقه بهبهان و استان بوشهر فعلی) تشکیل می‌دادند. این نیروها با عبور از پهنه خلیج فارس و دور زدن شبه‌جزیره عربستان، در سواحل یمن پیاده شدند.

● **سیادت بر بنادر جهانی:** با فتح یمن، ایران موفق شد بر دو گلوگاه استراتژیک جهان یعنی تنگه هرمز و باب‌المندب مسلط شود. این پیروزی، ایران را به حاکم مطلق تجارت دریایی تبدیل کرد. مطالعه تطبیقی تاریخ نشان می‌دهد میان «اقتدار ملی ایران» و «تسلط بر خلیج فارس» رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. هرگاه ایران توانسته بر این پهنه آبی تسلط کامل یابد، در قامت یک قدرت تراز اول جهانی ظاهر شده است. از ایلامیان که اقتصاد بابل را به زانو درآوردند تا هخامنشیان که مرزهای آبی را درنوردیدند، همگی اعتبار خود را از این موقعیت منحصربه‌فرد جغرافیایی کسب کرده‌اند. خلیج فارس نه‌تنها میراث گذشته، بلکه تضمین‌کننده امنیت و قدرت ایران در آینده است.

«ایران» از پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت حملات به منابع طبیعی کشور گزارش می‌دهد

دود جنگ در دیدگان محیط زیست

گزارش

نادر نینوایی
گروه زیست بوم

آتش جنگ اخیر دامان پالایشگاه‌ها، انبارهای نفت، صنایعی همچون فولاد و حجم بالایی از سازه‌ها و تأسیسات کشور را گرفته است. میزان بالای تسلیحات جا به جا شده، سوختن چند روزه انبارهای نفت تهران و کرج و موشک‌باران‌های بی‌امان، فقط آسیب‌های مالی و جانی در پی نداشته، بلکه خواسته یا ناخواسته محیط زیست کشور، منطقه و حتی جهان را تحت تأثیر قرار داده است. از سوی دیگر با توجه به حجم بالای تخریب‌های صورت گرفته در این جنگ و ضرورت بازسازی تأسیسات و اماکن تخریب شده، بی‌شک باز هم گازهای گلخانه‌ای و کربن بیشتری برای ساخت و سازهای مجدد صرف خواهد شد و همین امر ضربه دیگری به محیط زیست وارد می‌کند. افزون بر تمام این موارد آن طور که کارشناسان می‌گویند صداهای مهیب انفجارها، حیواناتی را که در فصل زادآوری هستند با چالش‌های جدی مواجه کرده و در یک کلام باید گفت که دود جنگ به دیدگان محیط زیست هم رفته است.

آثار و پیامدهای مخرب جنگ اخیر بر محیط زیست

داریوش گلعلیزاده، مدیرکل حفاظت محیط زیست استان اصفهان در خصوص آثار و پیامدهای نگران کننده جنگ اخیر بر محیط زیست کشور به «ایران» گفت: «یکی از پیامدهای مخرب جنگ، آسیب‌هایی است که به محیط زیست اعم از هوا، خاک و آب وارد می‌شود. همچنین تولید پسماندها نیز از دیگر اثرات مستقیم و منفی جنگ است. مراکزی که مورد اصابت قرار می‌گیرند، هم آلاینده‌های هوا و هم گازهای گلخانه‌ای منتشر می‌کنند. افزون بر این موارد، سوخت استفاده شده در جنگنده‌هایی که به کشور حمله می‌کنند هم منجر به انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شود. اینها بخشی از اثرات مستقیمی است که جنگ وارد می‌کند.»

وی افزود: «از سوی دیگر باید توجه داشت زمانی که یک واحد صنعتی یا مسکونی تخریب می‌شود، ساخت و ساز مجدد بناهای تخریب شده نیاز به یکسری مصالح ساختمانی، آهن و فولاد دارد و تولید این مصالح و مواد نیز همراه با انتشار گازهای گلخانه‌ای است. طبیعتاً آثار و تبعات این افزایش گازهای گلخانه‌ای در آینده خودش را نشان می‌دهد. اگرچه تاکنون برآورد دقیق انجام نشده و صرفاً برخی برآوردهای کلی اعلام شده، اما مشخص است که یکی از قربانیان اصلی این جنگ، محیط زیست است. به هر حال، این زیاده‌خواهی‌هایی که کشورهای متجاوز دارند، اثرات و پیامدهای جدی برای محیط زیست دارد. توجه داشته باشید که محیط زیست مرز نمی‌شناسد و جنگی که در خلیج‌فارس، دریای عمان و هر کجای دیگر اتفاق می‌افتد، موجب انتشار گازهای گلخانه‌ای شده و تبعات خود را بر گرمایش جهانی می‌گذارد و تمام دنیا با تبعات منفی آن روبه‌رو خواهند شد.»

پیامدهای محیط زیستی حمله به پالایشگاه‌ها و انبارهای نفت

یکی از اتفاقات نگران کننده در جنگ اخیر حمله به پالایشگاه‌ها، انبارهای نفت و کارخانه‌های فولاد و دیگر تأسیسات صنعتی بود که در مواردی منجر به رها شدن حجم بالای دودهای سیاه، کربن و گازهای آلاینده به محیط زیست کشور شد.

گلعلیزاده در خصوص پیامدهای محیط زیستی مورد هدف واقع شدن پالایشگاه‌ها، انبارهای نفت و کارخانه‌های کشور اظهار کرد: «آلودگی‌های منتشر شده از دو منظر قابل بررسی است؛ اول آنکه آلاینده‌هایی که منتشر می‌شود به عنوان آلاینده‌های معیار آلودگی هوا همچون ذرات، هیدروکربن‌ها بوده و از سوی دیگر گازهای گلخانه‌ای است که وارد جو می‌شود و تأثیر خود را بر لایه ازون و تشدید گرمایش جهانی می‌گذارد.»

وی افزود: «اگر جنگ افروزان در جنگ اخیر ملاحظات محیط زیستی داشتند به گونه‌ای متفاوت عمل می‌کردند اما خروج آمریکا از «پیمان پاریس»، نشانی از قبول نداشتن بحث‌های مرتبط با عدم انتشار گازهای گلخانه‌ای است. جنگ افروزان صرفاً به دنبال تحقق بحث‌های اقتصادی مورد نظر خود به هر جهت هستند و توجهی به مسائل محیط زیستی ندارند. به هر روی باید پذیرفت که افزون بر آسیب‌های جانی، جنگ خسران محیط زیستی هم به دنبال دارد و البته که بازسازی خرابی‌های بعد از جنگ نیز نیازمند تأمین آهن، فولاد و مصالح دیگر است که تولید این مصالح و مواد خود موجب افزایش تولید گازهای گلخانه‌ای می‌شود. در نهایت باید اشاره کرد که انفجار مخازن تأسیسات نفتی و کارخانه‌های فولاد حجم بالایی گاز را در هوا منتشر کرده که سازمان حفاظت محیط زیست در حال برآورد میزان آسیب‌های وارد آمده و تعیین خسارت‌های جنگی است.»

> محیط زیست مرز نمی‌شناسد و جنگی که در خلیج‌فارس، دریای عمان و هر کجای دیگر اتفاق می‌افتد، موجب انتشار گازهای گلخانه‌ای شده و تبعات خود را بر گرمایش جهانی می‌گذارد و تمام دنیا با تبعات منفی آن روبه‌رو خواهند شد

تبعات کوتاه‌مدت و بلند مدت محیط زیستی جنگ اخیر

این کارشناس محیط زیست در خصوص تبعات کوتاه‌مدت و بلندمدت محیط زیستی جنگ اخیر اظهار کرد: «آثار منفی کوتاه مدت این جنگ، آلودگی آب‌ها، آلودگی خاک و ورود آلاینده‌ها به هوایی است که مردم در آن تنفس می‌کنند. از سوی دیگر باید در نظر داشت که آلوده شدن خاک یا آب بر بحث کشاورزی و تولید مواد غذایی کشور نیز اثر می‌گذارد. در بحث حیات وحش نیز انفجارهای جنگ بر حیات وحش اثر می‌گذارد و باتوجه به قرار گرفتن در فصل زایمان برخی گونه‌ها، این حیوانات دچار استرس شده‌اند که این مسأله برای حیوانات نگران کننده است. جنگ هم برای حیات وحش و هم برای زیستگاه‌های حیوانات یک تهدید جدی است. افزون بر این باید اشاره کرد که آلوده شدن آب‌ها، بسیاری از آب‌های سالم را از دسترس خارج می‌کند. همچنین مورد هدف قرار گرفتن پتروشیمی‌های ماهشهر و عسلویه و آسیب‌های وارد شده به تأسیسات فاضلاب آنها موجب می‌شود که آلودگی پتروشیمی‌ها وارد دریا شود و این مسأله مخاطره‌آمیز است.»

وی ادامه داد: «در نهایت افزون بر اثرات منفی و کوتاه مدت جنگ بر محیط زیست که برشمرده شد، نباید آسیب‌های بلند مدت محیط زیستی آن را که در نسل‌های آتی خود را نشان می‌دهد از نظر دور داشت. واقعیت آن است که بسیاری از پیامدهای محیط زیستی در درازمدت مشخص می‌شود. تشدید بیماری‌ها و اثرگذاری بر کاهش طول عمر انسان‌ها به سبب مواجهه با آلودگی‌ها، از جمله پیامدهای محیط زیستی جنگ در بلندمدت شمرده می‌شود که نباید این موارد را نیز از نظر دور بداریم.»

برخی ابهام‌ها در خصوص میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای

محسن ناصری، کارشناس و صاحبنظر در حوزه محیط زیست و تغییر اقلیم در خصوص پیامدها و اثرات افزایش کربن در اثر جنگ اخیر به «ایران» گفت: «در مرحله اول باید توجه داشت که زیاد شدن گازهای گلخانه‌ای و کربن در جو، دارای اثرات و پیامدهای جهانی بوده و محدود کردن اثرات آن در مقیاس منطقه‌ای صحیح نیست. از سوی دیگر به منظور کمی‌سازی دقیق انتشار گازهای گلخانه‌ای، باید هرگونه ارزیابی مبتنی بر اطلاعات دقیق بوده تا هرگونه قیاس و سنجش در این خصوص داده محور باشد. باید در نظر داشت که در دوران جنگ بخشی از مشاغل، حرفه‌ها و صنایع به دلایل مختلف دوران «کم‌کاری» داشته و از این منظر میزان مصرف انرژی (انتشار احتراقی) یا فرآیندی کمتری داشته‌اند که طبعاً از میزان تولید گاز گلخانه‌ای متداول کاسته است. از سوی دیگر اما انفجار و احتراق ناشی از مواد منفجره و نقل و انتقال و شلیک‌ها، گچ و چوب در بناهای تاریخی رفتاری متفاوت از مصالح صنعتی دارند. آسیب آنها همزمان با حادثه آشکار نمی‌شود، بلکه با گذر هفته‌ها یا ماه‌ها نمایان می‌شود.»

وی افزود: «اگرچه در ظاهر همه چیز پایدار به نظر می‌رسد، اما در درون بنا، فشارها و کشش‌های نامتوازن در حال افزایش است وممکن است بدون هشدار ظاهری به تخریب ناگهانی بینجامد.»

کمبود تجهیزات پیشرفته؛ بزرگ‌ترین چالش

یکی از مهم‌ترین بخش‌های این گزارش، اعلام کمبودهای فنی جدی است. مدیرکل میراث فرهنگی اصفهان تصریح کرد: «در حال حاضر تیم‌های پایش، وضعیت سازه‌ها را به‌صورت دستی و سنتی رصد می‌کنند، اما برای بررسی علمی نیاز به دستگاه‌های لرزه‌نگاری، سنجش انحراف ستون‌ها، ابزار تثبیت کاشی‌ها و تکنولوژی‌های علمی شست‌وشوی سطح بناها داریم.»

وی تأکید کرد: «این تجهیزات نه فقط برای مضاعف و خارج از عرف و مقدار متداول را به محیط زیست تحمیل کرده است. به این میزان باید اثرات انتشاری ناشی از فرآیند بازسازی(در آینده) را نیز اضافه کرد که طبعاً هم از منظر انتشار احتراقی و هم فرآیندی با درنظر گرفتن حجم خسارت قابل ملاحظه خواهد بود.»

وی ادامه داد: «با این همه تصور می‌کنم گزارش‌هایی که بدون استناد به اطلاعات وآمار دقیق در خصوص افزایش میزان تولید کربن مطرح می‌شود، لزوماً از اعتبار استنادی بالایی برخوردار نیستند. البته این درست است که حجم بالای تسلیحات جا به جا و استفاده شده، همگی موجب افزایش انتشار گاز گلخانه‌ای (مستقیم و غیر مستقیم) شده است اما بدون اطلاعات دقیق، نمی‌توان ارزیابی کرد که حجم انتشارگازهای گلخانه‌ای ناشی از جنگ در مقابل کاهش تولید این گازها- که ناشی از تعطیلی برخی از مشاغل بوده- چه نسبتی را ایجاد کرده است.»

این کارشناس در خصوص شرایط کیفیت هوا در مناطق شهری کشور تحت تأثیر وقوع جنگ نیز گفت: «در خصوص شهر تهران باید بگویم که در شرایط کنونی وضعیت آلودگی شهر تهران به لحاظ شاخص‌های آلودگی هوا (با توجه به آلاینده‌های معیار) خوب است و این نیز ناشی از کاهش حجم قابل توجه تردد خودروها در سطح شهر بوده که علت آن شرایط جنگی موجود است. در خصوص مناطق حاشیه‌ای مورد حمله نیز به دلیل کمبود شبکه سنجش کیفیت آلاینده‌های هوا اطلاعات روشنی در دست نیست.»

این کارشناس خاطرنشان کرد: «ارزیابی مقطعی و آنی در خصوص دامنه اثرات آلایندگی هوا و تغییر اقلیم در مقطع کنونی، منجر به ارزیابی‌های غیردقیق خواهد شد. به نظرمی‌رسد که درک دقیق پیامدهای جنگ بر محیط زیست و اقلیم باید در یک پنجره زمانی بلند مدت مورد ارزیابی قرار گیرد. با این همه باید پذیرفت که به هر صورت تمام این انفجارها میزان قابل ملاحظه‌ای ذرات معدنی، ترکیبات کربنی سوخته نشده، دوده و فلزات سنگین را وارد هوا و خاک کرده و در این خصوص هیچ شبهه‌ای وجود ندارد.» وی در پایان یادآور شد: «اینکه آیا مناطق هدف گرفته شده در جوار یا نزدیکی مناطق حفاظت شده بوده یا خیر، مسأله‌ای است که هنوز ابعاد کامل آن روشن نیست و سازمان حفاظت محیط زیست باید اطلاعات و گزارش‌های ویژه‌ای در این خصوص ارائه کند.»

انحراف ستون‌های نقش جهان و چهل‌ستون پس از جنگ تحمیلی اسرائیل و آمریکا

ستون‌های عالی قاپو ترک برداشت

زیست بوم- دو هفته پس از حملات هوایی رژیم صهیونیستی و آمریکا به حوالی شهر اصفهان، اولین گزارش‌های فنی از وضعیت آثار تاریخی نشان می‌دهد که موج انفجار، همراه با پدیده مزمن فرونشست زمین، به بناهای شاخص دوره صفوی آسیب زده است. مدیرکل میراث‌فرهنگی استان اصفهان با تأکید بر اینکه «انحراف ستون‌ها در چند بنای ثبت‌جهانی اکنون با چشم قابل مشاهده است»، از نیاز فوری به تجهیزات پیشرفته پایش خبر داد.

خطر برای گنبد مسجد جامع عباسی

امیر کرم‌زاده، مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان اصفهان، در گفت‌وگو با ایسنا اعلام کرد: در مسجد جامع عباسی (مسجد امام) واقع در میدان نقش‌جهان، یکی از ستون‌های زیر گنبد اصلی بین ۱.۵ تا ۲ سانتی‌متر انحراف پیدا کرده است. وی علت این انحراف را ترکیبی از دو عامل فرونشست تدریجی زمین در بخش‌های میانی میدان نقش‌جهان و تأثیر امواج شدید انفجار اخیر بر بافت تاریخی شهر اعلام کرد.

کرم‌زاده هشدار داد: «این میزان انحراف هرچند در ظاهر اندک است، اما در سازه‌ای با قدمت ۴۰۰ سال اهمیت بسیار دارد. تغییر زاویه نیروهای فشاری و کششی در این ستون‌ها، به‌سرعت بر تعادل گنبد اصلی اثر می‌گذارد.»

به گفته وی، پیش از این نیز ستون‌های شبستان مسجد در اثر فرونشست نامتقارن، تا هفت سانتی‌متر به سمت جنوب و پنج سانتی‌متر به شرق جابه‌جا شده بودند و اکنون با تداوم این روند، خطر برای گنبد افزایش یافته است.

عالی‌قاپو؛ ترک‌هایی که عمیق‌ترشدند

مدیرکل میراث فرهنگی اصفهان در ادامه به عمارت عالی‌قاپو اشاره کرد و گفت: «پیشروی ترک‌خوردگی در دو ستون این بنا دیده شده است. این ستون‌ها در گذشته نیز به دلیل نشست‌های زیرسطحی زمین ضعف سازه‌ای داشتند، اما پس از انفجار اخیر، ترک‌ها عمیق‌تر و قابل‌مشاهده‌تر شده‌اند.»

کرم‌زاده وضعیت تزئینات عالی‌قاپو، بویژه در سقف‌ها و رنگ‌پردازی‌های دوره صفوی را نگران‌کننده خواند و تأکید کرد: «موج انفجار نه فقط به بناهای سنگی، بلکه به لایه‌های ظریف گچبری و رنگ‌آمیزی سنتی آسیب می‌زند. اگر این ترک‌ها به‌موقع شناسایی و تثبیت نشوند، ممکن است باعث ریزش بخش‌هایی از سقف یا افت تزئینات تاریخی شوند.»

چهل‌ستون؛ انحراف در ایوان و آسیب به آینه‌کاری

در مجموعه جهانی چهل‌ستون نیز نشانه‌هایی از آسیب دیده شده است. کرم‌زاده گفت: «در بازدید اخیر کارشناسان، یکی از ستون‌های میانی این بنا دچار انحرافی قابل‌مشاهده شده است. ستون‌های چوبی و سنگی چهل‌ستون به دلیل ساختار ویژه و مجاورت با رطوبت باغ، حساسیت زیادی دارند و هرگونه تغییر در رطوبت یا نشست خاک می‌تواند موجب خمیدگی یا ترک شود.» وی افزود: «اگر این روند ادامه یابد، احتمال تأثیر بر گنبدهای جانبی و سقف‌های نقاشی شده این بنا نیز وجود دارد.»

> در حال حاضر تیم‌های پایش، وضعیت سازه‌ها را به‌صورت دستی و سنتی رصد می‌کنند، اما برای بررسی علمی نیاز به دستگاه‌های لرزه‌نگاری، سنجش انحراف ستون‌ها، ابزار تثبیت کاشی‌ها و تکنولوژی‌های علمی شست‌وشوی سطح بناها داریم

هنوز برای قضاوت نهایی زود است

داریوش حیدری، عضو شورای راهبردی پایگاه میراث جهانی چهل‌ستون و کارشناس سازه، که بازدید میدانی انجام داده، با احتیاط بیشتری اظهار نظر کرد. او گفت: «آنچه عمدتاً به‌طور ظاهری دیده می‌شود، شکستن شیشه‌ها و آسیب به آینه‌کاری‌ها و جابه‌جایی قاب‌های نقاشی است. در مورد ساختار اصلی بنا، در ظاهر مورد خاصی به چشم نمی‌خورد، اما انحراف یک یا دو ستون در ایوان دیده می‌شود که به نظر می‌رسد مربوط به قبل از انفجار باشد. برای قضاوت قطعی، نیاز به مدل‌سازی نرم‌افزاری و بررسی دقیق‌تر میدانی داریم.»

حیدری خاطرنشان کرد: با توجه به فاصله چهل‌ستون از محل انفجار (نزدیک استانداری)، آسیب آن کمتر از موزه هنرهای معاصر و رکیب‌خانه بوده است، اما موج انفجار خسارات تزیینی قابل‌توجهی وارد کرده است.

هشدار فنی: خطر ریزش ناگهانی

کرم‌زاده با اشاره به ماهیت خاص مصالح سنتی هشدار جدی داد: «آجر، برای مقابله با آثار انفجار، بلکه برای رصد مداوم فرونشست زمین ضروری هستند.»

کارگروه مرمت تشکیل شد

کرم‌زاده از آغاز مطالعات مقدماتی برای اجرای طرح مرمت خبر داد و گفت: «از هفته گذشته، کارگروهی از متخصصان سازه، زمین‌شناسی و مرمت سنتی، بررسی‌های اولیه را آغاز کرده‌اند تا پیش از گسترش آسیب‌ها، اقدامات تثبیتی انجام شود.»

هدف این برنامه در مرحله اول، جلوگیری از پیشروی ترک‌ها و حفظ پایداری ستون‌های اصلی است، تا در مراحل بعدی بازسازی دقیق با روش‌های سنتی و علمی انجام شود.

کرم‌زاده در پایان تأکید کرد: «مجموعه نقش‌جهان، عالی‌قاپو و چهل‌ستون نه‌تنها نمادهای معماری صفوی، بلکه گواهی زنده از تاریخ مهندسی ایرانی هستند. هر سانتی‌متر انحراف یا ترک در آنها، به معنای از دست رفتن بخشی از حافظه تاریخی کشور است.»

اثر تاریخی	آخرین وضعیت پس از انفجار	سطح هشدار
مسجد جامع عباسی	انحراف ۱.۵ تا ۲ سانتی‌متری ستون زیر گنبد	بحرانی
عالی‌قاپو	عمیق‌تر شدن ترک‌های دو ستون	فوری
چهل‌ستون	آسیب به آینه‌کاری و نقاشی‌ها، انحراف محتمل در ایوان	نیازمند بررسی بیشتر